

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب ۲۱ رمضان شب قدر ۹ شهریور ۸۹

بار الها، بزرگ است فرمانروایی تو و بلند است جایگاه و مکان، آشکار است امر تو، غالب است قهر تو، جاری است قدرت و احاطه است بر همه چیز توانایی‌ات و بیرون آوردی بامدادان را و روشنایی بخشیدی تاریکی شب را به روز، محکم ساختی آفرینش زمین و آسمان را، شکر و سپاس بی‌کران از آن توست.

این حمد و ستایش که گویایی علم و یقین و باوری بس بزرگ است از آنچه کسی غیر از حیدر کرار، مولای متقیان، امین و ولی و حجت خدا، پرچمدار پرهیزکاری، وصی بر حق پیامبر، دروازه‌ی علم، معدن حکمت و کمال امیر مؤمنان علی (ع) می‌تواند باشد؟ که وجود مبارکش را نادانان و دنیا پرستان و منافقان و بی‌ایمانان گرگ صفت پس از سال‌ها آزار و اذیت و شکستن قلبش فرق سرش را شکستند و وجود گهربار او را به شهادت رساندند. لعنت الله علی قوم القاصبین و الظالمین.

امیر مؤمنان (ع) دارای فضائل و حسناتی بی‌نظیر و در حد کمال بودند، هر چیزی و نکته‌ای از علم و تدبیر و توحید و ایمان را می‌توان در ایشان سراغ نمود که توصیف هر کدام مثنوی صد دفتر است ولی هیئات و صد هیئات که کوردلان خورشید را دیدند و انکارش کردند. چه زیبا فرمودند حضرت زهرا (س) که: امیر مؤمنان روی زمین زندگی می‌کردند که اهل آسمان او را می‌شناختند و با او انس داشتند، ولی اهل زمین در خودخواهی و خودبرتر بینی از چتر حمایت او دور می‌شدند و راه هدایت را به راه شیطان مبدل می‌کردند و با آن خود را به نابودی می‌کشاندند.

این فرموده چه حق و زیباست چون مردم آن زمانه فضائل و توجهات خاصه‌ی خداوند و پیامبر را به علی (ع) می‌دیدند اما خودخواهی و دنیاپرستی چشمانشان را کور کرده بود، همگان دیدند فاطمه بنت اسد وارد کعبه شد و پس از سه روز از همان شکاف دیوار بیرون آمد و حضرت محمد (ص) را صدا زد و گفت: بیا امانت تو را آوردم آن را در آغوش بگیر. پیامبر آن‌چنان او را در آغوش گرفت که بادی برخاست و پارچه‌ی کعبه

را از روی آن بلند کرد و در آسمان چرخاند و روی سر پیامبر انداخت. او پارچه را روی کعبه کشید و حضرت علی (ع) را به مادر داد و به صدایی که همگان شنیدند فرمود: امروز حق بر باطل پیروز شد و بت‌ها و بت‌داران به عزای خدای دروغین خود نشستند و ابراهیم دوم متولد شد. ابوجهل جلو آمد و گفت محمد حرف‌هایی می‌زنی که باید مجازاتی سخت‌تر داشته باشی و همگی رفتند. برادر ابوطالب از پیامبر (ص) پرسید: ای پسر عبدالله چه می‌بینی در این نوزاد؟ او گفت عزت و جلال بندگی را، او مرا یاور است و پروردگارش را بنده‌ای محبوب، سپس به غار حرا رفت و دیگر کسی او را ندید.

امیر مؤمنان پرورش یافته‌ی پیامبر و اولین مرد مسلمان بود که در تمام جنگ‌های پیامبر شرکت نمود و با رشادت‌های او پیروزی نصیب مسلمانان می‌شد و آیات زیادی در شأن ایشان نازل شد که یکی از آن‌ها در روز غدیر بود که جای هیچ‌گونه انکاری در آن نیست اما آن مردم همه‌ی این‌ها را نادیده گرفتند که امیر مؤمنان در این مورد می‌فرمایند: که دست بیعت با امامت شیرینی خاصی دارد که این مردم شیرینی آن را به زهری خطرناک تبدیل کردند و آن زهر در جان‌شان آن‌چنان اثر کرد که نجات از آن ممکن نشد و مرگ در وجودشان نمایان شد و تلاش من برای نجات ایشان بی‌حاصل ماند و آنان مردند و بدنی مسموم را به قیامت می‌آورند تا سموم آن با آتش بسوزد و پاک شود و سال‌ها می‌گذرد و بیعت‌کنندگان آینده‌ی ولایت نام مرا دوست می‌دارند ولی دست مرا نمی‌گیرند از آن می‌ترسند دست‌ان‌شان را مخفی می‌کنند و نام مرا برای بیعت صدا می‌زنند و بیعت با صدا مانند نوایی در باد است که باد فقط باعث تکرار آن است و اثر دیگری ندارد ظلم در نام من محو و نابود می‌شود و ظالم با نام من دچار عطش قیامت خواهد شد.

برای درک بهتر این موضوع از سفارشات حضرت زهرا (س) مدد می‌جویم که فرمودند: بسیاری از بندگان خدا می‌اندیشند که خالق‌شان کیست؟ که از ترس خشمش باید او را بپرستند و عبادتش کنند در نتیجه متوسل به فرستادگان الهی می‌شوند تا آنان را از این خشم نجات دهند. به دنبال فرار هستند نه ماندن، می‌خواهند از دنیایی که آن را

نمی‌شناسند بگریزند و سپری برای گریختن می‌جویند و مرتباً آن سپر را در مقابل خیالاتشان می‌گیرند تا قلبشان مطمئن شود که در آخر با بردن نام اولیاء نجات می‌یابند، ولی قرآن کریم می‌فرماید: آنان بین کفر و ایمان سرگردانند و راه را نمی‌توانند بیابند. معنی عشق را درمی‌یابند، تمنای دنیایی را دنبال می‌کنند و لذت بسته شدن به طناب عشق را در نمی‌یابند و هر لحظه توحیدشان در خطر از بین رفتن است درحالی‌که شیعیان واقعی سخنان امیر مؤمنان را مانند وحی الهی اطاعت می‌کردند و یقین داشتند که آنچه امیر مؤمنان می‌گوید همان است که خداوند کریم می‌گوید اگر در هر زمان هر کس از بندگان خداوند کریم بتواند آن‌چنان زندگی کند که امیر مؤمنان را رهبر و اولیا خود قرار دهد می‌تواند با سایه‌ی او یعنی امام عصر خود که برگزیده‌ی آخرین است، همراه و هم‌سفر شود و اگر سایه‌ی امیر مؤمنان را ندید خود امیر مؤمنان را در طول حیات زمینی‌اش ببیند، امام را الگو قرار دهد و دست به‌طرف سایه‌ی او دراز کند و از زندگی زمینی جز به رضایت الهی و مدد مأمور او خارج نگردد، در زمان غیبت آخرینشان، یعنی حضرت مهدی (عج)، انسان‌ها می‌توانند با فرامین قرآن کریم و هدایت باطنی امام خود نفس اماره را بکشند که جهاد اکبر است و جهاد با کافران عصر یا منافقین ظاهری و باطنی نیاز به حضور فیزیکی و فرمان امام عصر دارد و این فرمان را همه با گوش‌های ظاهری باید بشنوند و اطاعت کنند و شنیدن در باطن فقط می‌تواند باعث کشته شدن نفس اماره شود تا جامعه بتواند در سایه‌ی جهاد این افراد به زندگی سالم برگردد پس وظیفه‌ی آن‌ها در دوران عمر مراقبت از حریم عقل است که باید با اولیاء پیوند محکمی داشته باشد تا بتواند چراغ روشنی گردد هم برای خود و هم برای دیگران.

پس در می‌یابیم که مولا امیر مؤمنان (ع) را جاهلان و هواپرستان و عهدشکنان سال‌ها قبل از این‌که فرقه‌ی را بشکافند قلبش را زخم زدند و آن زخم نه به خاطر این بود که آن‌ها عهدشان را شکستند و امامت او را بعد از رحلت پیامبر (ص) به دسیسه‌ی عده‌ای منافق و حسود و هواپرست ولایت حقه‌اش را که خداوند متعال به وسیله‌ی رسول گرامی‌اش به او عنایت فرموده بود را نادیده گرفتند، بلکه به خاطر ظلمی که در حق بشریت تا ظهور آخرین فرزندش مولا امام زمان (عج) نمودند بود که اگر بلافاصله بعد

از پیامبر تا ۳۰ سال بقیه‌ی عمر مبارکشان را بر امامت حقه‌ی خود بودند ریشه ظلم و ظالم خشک می‌شد و تا قیامت فرصت رشد پیدا نمی‌کرد که اگر بشریت در حال حاضر دچار ظلم و ستم است باعث آن مردمان کوردل آن زمان هستند. خداوند لعنت کند آن‌هایی را که بنیان ظلم به امیر مؤمنان و فرزندان‌شان و کل انسان‌ها را نهادند. مولا با وجود ناسپاسی آن‌ها قلب مطهر و مهربانشان برای نادانی آن‌ها غصه‌دار بود و تنها همدمش همسر گرامی‌اش حضرت زهرا (س) بود که او را نیز آن مردم پست شهید نمودند و حزن و اندوه این جنایت تا آخر عمر همراه مولا بود و در بین مردم غریب زندگی می‌کرد و برای پیوستن به پیامبر و حضرت زهرا (س) لحظه شماری می‌کرد و شدت این دل‌تنگی را می‌توان در اولین جمله بعد از ضربت خوردنشان درک کرد که فرمودند: به خدای کعبه رستگار شدم و پس از آن چون حزن و اندوه و اشک شیعیان را دیدند دست‌های خود را به آسمان بلند کردند و فرمودند: بار الها از آنچه از فرق علی جوشید و بر زمین ریخت جز یاد و ذکر تو نبود پس هر که را که برای فرق علی گریست در رحمت جوار ذکرت جای بده که بهای دل‌شکسته را جز خالق ندهد.

بار الها ما را از پیروان واقعی و شیعیان راستین امیر مؤمنان علی (ع) قرار بده.

خداوندا همان‌گونه که بر ما منت گذاشته شناخت و محبت امیر مؤمنان (ع) را عطا فرمودی آن را تا لحظه‌ی مرگ برکت عنایت بفرما.

بار الها دشمنان علی (ع) که با دشمنی و کشتار شیعیان بغض و کینه‌ی خود را عیان می‌کنند خداوندا نابود بگردان و باطل را نابود و حق را استوار بگردان.

اللهم عجل لولیک الفرج